**روان‏شناسى و اخلاق : تحول اخلاقى‏**

مسعود آذربایجانى‌

**اشاره:**

روح و روان آدمى، از جمله موضوعات مهمى بوده است که از دیرباز، ذهن اندیشمندان و متفکران را به خود مشغول کرده است. نتیجه آن نیز ارائه یک دسته نظریات روان‌شناسانه است که در بستر زمان دچار تغییر و تحول شده است؛ به طورى که این تحولات در شرایط فعلى نیز به نحو مبنایى ادامه دارد. از طرف دیگر، منابع دینى ما سرشار از معارف روان‌شناختى انسان است که متاسفانه تاکنون- به رغم تلاش‌هائى که صورت گرفته- به جامعه ارائه نشده است. بر این اساس، لازم است ضمن ارائه معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه، مقایسه‌اى هم با آن مکاتب داشته باشیم. براى نیل به این مقصود، از وجود جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانى عضو هیأت علمى پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در هر دو زاویه داراى تخصص ویژه‌اى هستند بهره گرفتیم.

امیدواریم این، باب خیرى باشد تا در شماره‌هاى بعدى در یک باب مستقل، به آن بپردازیم. در این شماره عوامل مؤثر بر تحول اخلاقى را بررسى خواهیم کرد.

روان‌شناسى در جایگاه «مطالعه علمى رفتارها و فرایندهاى روانى انسان»[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn1)، مى‌تواند فضایل و رذایل اخلاقى را نیز از حیث واقعیت روان‌شناختى آن‌ها در انسان بررسى کند و رفتارهاى متناسب با آن‌ها را کاوش نماید و به توصیف، تبیین و حتى پیش بینى‌هاى علمى‌دست یازد.

برخى پرسش‌هاى قابل بحث در این حوزه عبارتند از: آیا انسان به لحاظ روان‌شناختى، قدرت انتخاب و اختیار براى انجام فعل اخلاقى دارد؟ آیا رفتارهاى ما همگى خود محور آن است؟ آیا خودگرایى روان شناختى بر ما حاکم است؟ اراده اخلاقى و وجدان اخلاقى در انسان چگونه قابل تبیین است؟ تفاوت‌هاى روانى افراد چگونه بر افعال اخلاقى تأثیرگذار است؟ و ….

در این جستار، صرفاً به یکى از این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد: «عوامل مؤثر بر تحولات روانى و اخلاقى انسان کدامند؟» به عبارت دیگر به طور کلى چه علل و زمینه‌‌هایى باعث مى‌شود یک فرد به سمت فضایل اخلاقى یا رذایل اخلاقى کشیده شود یا رفتارهاى متناسب با آن‌ها را به فعلیت رساند یا حتى تحول شخصى و شخصیتى در جهت مثبت یا منفى داشته باشد؟

ساحران فرعون، فضیل بن عیاض، بشر حافى و حر بن یزید ریاحى از نمونه‌هاى شاخص تحول اخلاقى از باطل به حق در فرهنگ و اندیشه اسلامى هستند. افرادى چون روژه گارودى (تحول از کمونیسم به اسلام)، یوسف اسلام (خواننده اروپایى مسلمان شده) و پروفسور لگن‌هاوسن (استاد دانشگاه در رشته‌فلسفه دین و تحول از مسیحیت به اسلام) و … نیز از جمله موارد شهیر و معاصر ما در این موضوع هستند. البته نمونه‌ هاى کمتر مشهور در گوشه و کنار جامعه فراوان است. به ویژه در خودمان نیز تحولات اخلاقى در سطح رفتار و صفات را مى‌‌توانیم جست‌و کنیم و به سادگى بیابیم.

در روان‌شناسى، صرفاً بر دو عمل پایه‌هاى زیستى و محیطى تأکید مى‌شود؛ در حالى که آموزه‌هاى دینى دو عامل اراده و مبادى غیبى را نیز مى‌ افزاید:

1. **پایه‌‌هاى زیستى**‌

هنگام تشکیل نطفه، ویژگى‌ها و صفات پدر و مادر (و حتى برخى از نیاکان) از طریق «ژن‌ها» در هسته سلول به کودک منتقل مى‌ شود که اصطلاحاً آن را وراثت یا عامل ارثى گویند. از طریق دو قلوهاى همسان، ویژگى‌هاى متأثر از وراثت قابل مطالعه و بررسى است.[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn2)

افزون بر خصوصیات فیزیکى و فیزیولوژیکى، مانند شکل ظاهرى صورت، رنگ پوست، مو، بلندى و کوتاهى قد، رنگ چشم و برخى نقص‌هاى جسمانى مانند لب شکرى، کف پاى صاف و …، ویژگى‌هاى روانى نیز به طور فى الجمله تحت تأثیر وراثت هستند: برخى عقب ماندگى‌ها (۱۵۰ نقص ژنتیک شناخته شده)، هوش، شخصیت، طول عمر و آسیب‌هاى روانى آمادگى ژنتیک در آن‌ها مؤثر است. در روایات، صفات اخلاقى چون وفادارى، بى وفایى، شهامت، بزدلى، نجابت، رذالت، پستى و خونسردى به عوامل ارثى نسبت داده شده است.[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn3)

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف پیامبر اکرم صلى الله علیه و آله مى ‌فرماید:

خداوند نهال اصلى آن حضرت را از بهترین معادن استخراج نمود و نهال وجودش را در اصیل‌ترین سرزمین‌ها غرس کرد و شاخه هستى او را از زمینى که پیامبران را از آن آفرید، به وجود آورد؛ همان درختى که امینان درگاه خود را از آن برگزید. فرزندان او، بهترین فرزندان هستند و خاندانش نیکوترین خاندان‌ها ….[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn4)

آن حضرت، شهامت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و ناپایدارى یکى دیگر از پسرانشان (محمد حنفیه) برابر دشمن را از صفاتى مى‌شمارند که از مادرانشان به ارث برده‌اند.[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn5) البته پرسش‌هایى که همچنان نیازمند مطالعه و بررسى بیشترند، عبارتند از: دقیقاً کدام یک از فضایل و رذایل اخلاقى تحت تأثیر وراثت است؟ معیار و ملاک آن چیست؟ این صفات تا چه حد از عوامل ارثى ناشى مى‌شود؟

1. **پایه‌‌هاى محیطى**‌

مقصود، عواملى است که پس از تشکیل نطفه از طریق محیط بر انسان وارد مى ‌شود. این عوامل شامل محیط درون رحمى (پیش از تولد) مانند اکسیژن، مواد غذایى، حرارت، احوال مادر، ضربه‌هاى فیزیکى و روانى، تشعشعات و داروها است. محیط طبیعى پس از تولد، مانند آب و هوا، تغذیه و منطقه جغرافیایى و محیط اجتماعى نیز شامل خانواده، مدرسه، همسالان، جامعه، فرهنگ، دین، رسانه‌هاى جمعى، محل کار و نهادهاى سیاسى مى‌شود. پایه‌هاى محیطى به صورت‌هاى مختلف بر فرد تأثیرگذار است و زمینه‌هاى تغییر یا تحول را به وجود مى‌آورد. انواع تأثیرات محیط عبارتند از: رشد و شکوفایى استعدادها، شکل‌دهى هدایت رفتار، الگودهى به شخصیت فرد، آموزش و انتقال اطلاعات و بالأخره‌ جامعه‌ پذیرى از طریق انتقال آداب و رسوم و هنجارهاى اجتماعى. در خصوص ارزش‌هاى اخلاقى و فضایل و رذایل مى‌توان همه این تأثیرات را به حساب آورد: محیط مساعد، موجب رشد و شکوفایى زمینه‌هاى اولیه وراثتى در فضایل یا رذایل مى‌شود و مى‌تواند رفتار فرد را هدایت کند و الگوهاى مناسبى براى شخصیت وى فراهم سازد.[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn6) در عین حال، اطلاعات مورد نیاز درباره عواقب امور و نیکوکار و بدکار با مشاهده محیط اجتماعى و تاریخى قابل دسترسى است. مهم‌ترین تأثیر پایه‌هاى محیطى، تربیت اخلاقى است که با روش‌هاى الگوپذیرى، همانند سازى، موعظه اخلاقى و … حاصل مى‌شود.[[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn7) خانواده نیز یکى از مهم‌ترین ارکان پایه‌هاى محیط در تحولات اخلاقى است.

از نمونه‌ هاى تأثیر محیط اجتماعى در فضیلت و رذیلت در قرآن کریم، داستان پسر نوح است:

وَ نادى نُوحٌ رَبَّهُ فَقالَ رَبِ إِنَّ ابْنى مِنْ أَهْلى وَ إِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْکَمُ الْحاکِمینَ\* قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیرُ صالِحٍ فَلا تَسْئَلْنِ ما لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنّى أَعِظُکَ أَنْ تَکُونَ مِنَ الْجاهِلینَ‌[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn8)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است؛ و وعده تو [درباره نجات خاندانم‌] حق است؛ و تو از همه حکم‌ کنندگان برترى».

فرمود: «اى نوح! او از اهل تو نیست. او عمل غیر صالحى است [/ فرد ناشایسته‌اى است‌] پس آنچه را از آن آگاه نیستى، از من مخواه. من به تو اندرز مى‌ دهم تا از جاهلان نباشى».

پسر نوح با بدان بنشست‌                                         خاندان نبوتش گم شد

دوستان و همنشینان نیز تأثیر بسزایى در تغییرات و تحولات اخلاقى ما دارند. امیر المؤمنین علیه السلام مى‌ فرمایند:

الصدیق افضل الذخرین؛ دوست، بالاترین اندوخته‌ ها و گنجینه ‌ها را فراهم مى ‌کند.

پرسش جدّى‌اى که این‌جا مطرح است این که اگر صرفاً وراثت و محیط، منشأ رفتارها و صفات اخلاقى ما باشد، جایگاه مسؤولیت و تکلیف انسان چه مى ‌شود؟ این‌جا عامل اراده مطرح مى ‌شود.

1. **اراده‌**

اطاعت و عصیان، در قلمرو اختیار و مستلزم اعمال ارادى‌ است؛ ولى اغلب مردم، به دلیل شانه خالى کردن از مسؤولیت، ملموس نبودن اراده و مکانیزم‌ هاى دفاعى براى توجیه عملى تمایل دارند همه رفتارهاى خود را به عوامل خارج از حیطه اراده و اختیار انسان نسبت دهند؛ در حالى که ارسال رسل و انزال کتب، تکلیف و مسؤولیت دینى و ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ همگى مبتنى بر وجود اراده و اختیار در انسان است. افزون بر این، رشد و تحول انسان در ابعاد معنوى و اخلاقى، به ویژه مستند به اراده است. منظور از اراده، نوعى توانایى روانى ویژه انسان است که شخص بر اساس آن، مى‌تواند در قلمرو خاصى، تأثیرات زیستى و محیطى را تحت تسلط خویش در آورد و با گزینش خود، رفتار و مسیر رشد را به طور آگاهانه انتخاب نماید.

اگر هم بیشتر روان‌شناسان به جبر محیطى (مانند رفتارگرایان) یا جبر درونى (مانند روان‌تحلیل‌ گران) تمایل دارند، روان‌شناسان شناختى، با تأکید بر ارگانیسم فعال انسان در پردازش اطلاعات و آگاهى و روان‌شناسان انسان‌گرا با تأکید بر خود شکوفایى و خلاقیت و آزادى، گرایش قابل توجهى به مبانى اراده در انسان داشته‌ اند.

نقش اراده در رفتارهاى اخلاقى در مراحل شکل‌گیرى رفتار آگاهانه، یعنى هنگامه توجه، ادراک، احساسات و انگیزش ظهور مى ‌کند و مى‌ تواند با محدود کردن و کنترل نمودن تأثیر عوامل زیستى و محیطى به طور فعّال وارد عمل شود. رشد اراده از طریق رشد آگاهى، تمرین اعمال ارادى و از طریق فرهنگ کلى جامعه امکان پذیر است.

امام صادق علیه السلام مرز میان اعمال اختیارى و غیر اختیارى را امکان ملامت و سرزنش انسان مى ‌داند:

… ما استطعت ان تلوم العبد علیه فهو منه و ما لم‌تستطع ان تلوم العبد علیه فهو من فعل الله. یقول الله تعالى للعبد: لم عصیت؟ لم فسقت؟ فهذا فعل العبد و لا یقول له: لم مرضت؟ لم قصرت؟ لم ابیضت؟ لم اسودت؟ لانه من فعل الله تعالى‌ ؛[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn9)

آنچه که مى‌توانى بنده را بر آن ملامت و سرزنش کنى، آن امر، از بنده صادر شده است و آنچه را که نمى‌ توانى بنده را بر آن سرزنش کنى؛ آن از افعال خداوند متعال است.

خداى متعال به بنده مى ‌گوید: «چرا گناه کردى؟ چرا فسق ورزیدى؟» این فعل بنده است؛ ولى خدا به بنده نمى‌گوید: چرا مریض شدى؟ چرا کوتاه هستى؟ چرا سفید هستى؟ چرا سیاه هستى؟ چون که همه اینها از افعال خداى متعال است.

در روایت دیگر، آن حضرت شرایط و مقدمات یک رفتار آگاهانه اختیارى را نبودن موانع محیطى و اجتماعى، سلامت جسمى، رشد طبیعى و فیزیکى بدن و بالاخره فراهم شدن متعلق رفتار شمرده و متذکر مى‌شوند که آماده شدن همه این شرایط، شخص را مجبور نمى ‌کند حتماً رفتارى از او سر بزند؛ بلکه خود او است که در آخرین مرحله نیز مى‌ تواند میان انجام یا ترک رفتار، یک طرف را انتخاب کند.[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn10)

اعمال عبادى به ویژه روزه‌دارى، تقوا و خویشتندارى مقابل حرام، کفّ نفس و مخالفت با نفس هنگام ارتکاب، از مواردى است که در آموزه‌ هاى دینى براى تقویت اراده پیش بینى شده است. پرسش مهمى که این‌جا قابل طرح است، سهم ویژه عوامل محیطى و ارثى مقابل اراده است؟ به تعبیر دیگر تا کجا و تا چه حد،اراده انسان مى ‌تواند مقابل پایه‌ هاى زیستى و محیطى مقاومت کند؟ آیا شدت و ضعف اراده نیز خود محصول وراثت و محیط نیست؟ این پرسش، نیازمند بررسى و کاوش جدى‌ تر در مجال دیگر است.

نکته‌اى باقى است: آیا مجموعه عوامل تأثیر گذار بر رشد اخلاقى انسان، صرفاً همین سه مورد است؟ آیا عامل دیگرى در کار نیست؟ این‌جا مبادى غیبى را با عنوان عامل مستقل مطرح مى‌کنیم.

1. **مبادى غیبى‌**

بر اساس بینش اعتقادى، توحید افعالى، خداوند به صورت طولى بر همه افعال و رفتار ما مؤثر است و در همه عوامل و پایه‌ هاى وراثتى، محیطى و ارادى نیز حضور دارد. افزون بر این، آیات قرآن، مبادى غیبى و در رأس آن، خداوند را عامل مستقل ذکر مى‌کند که به طور جدى در عرصه هستى فعال هستند، و بر اعمال اخلاقى و فضایل و رذایل نیز تأثیرگذار است و مى ‌تواند با تمهید مقدمات و زمینه‌هاى لازم، توفیق عبد را در تحول اخلاقى فراهم کند یا این‌که موجبات سلب توفیق را ایجاد نماید.

چگونگى و فرایند این تأثیرگذارى نیازمند بحث مستقلى است، در این مجال مختصر، صرفاً به برخى شواهد این موضوع اشاره مى ‌کنیم:

الم\* ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیبَ فیهِ هُدًى لِلْمُتَّقینَ\* الَّذینَ یؤْمِنُونَ بِالْغَیبِ وَ یقیمُونَ الصَّلاه وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ ینْفِقُونَ‌[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn11)

الف، لام، میم\* این است کتابى که در [حقانیت‌] آن، هیچ تردیدى نیست؛ [و] مایه هدایت تقواپیشگان است\* آنان که به غیب ایمان مى ‌آورند، و نماز را بر پا مى‌دارند، و از آنچه به ایشان روزى داده‌ایم انفاق مى‌کنند.

یکى از ویژگى‌هاى پارسایان و تقوا پیشگان، ایمان به غیب است؛ یعنى باور کنند که عوامل غیبى وجود دارد و در زندگى آنان تأثیر گذار است. این عوامل، شامل خداوند- جلّ جلاله- فرشتگاه الهى، شیاطین و برخى امور دیگر است.

قالَتِ الْیهُودُ یدُ اللهِ مَغْلُولَه غُلَّتْ أَیدیهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ یداهُ مَبْسُوطَتانِ …[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn12)

و یهود گفتند: «دست خدا بسته است». دست‌هاى خودشان بسته باد و به [سزاى‌] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند؛ بلکه هر دو دست او گشاده است …

خداوند، منطق یهود که خداوند را دست‌بسته و غیر فعال در حیات و هستى معرفى مى‌ کند، محکوم و مردود مى داند و صریحاً دست قدرت الهى را گشاده و مبسوط مى ‌داند:

یسْئَلُهُ مَنْ فِى السَّماواتِ وَ اْلأَرْضِ کُلَّ یوْمٍ هُوَ فى شَأْنٍ‌[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn13)

هر کس در آسمان‌ها و زمین است، از او درخواست مى‌ کند. هر زمان، او در کارى است.

کل یوم هو فى شأن بخوان‌                                         مرو را بیکار و بى فعلى مدان‌

در آیات بسیارى نیز به مصادیق این موضوع اشاره شده است:

هُوَ الَّذى أَنْزَلَ السَّکینَه فى قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ لِیزْدادُوا إیمانًا مَعَ إیمانِهِمْ وَ لِلهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضِ …[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn14)

او است آن کس که در دل‌هاى مؤمنان، آرامش را فرو فرستاد، تا ایمانى بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است ….

إِذْ تَسْتَغیثُونَ رَبَّکُمْ فَاسْتَجابَ لَکُمْ أَنّى مُمِدُّکُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِکَه مُرْدِفینَ\* وَ ما جَعَلَهُ اللهُ إِلّا بُشْرى وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُکُمْ …[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn15)

[به یاد آورید] زمانى را که پروردگار خود را به فریاد مى‌طلبیدید؛ پس دعاى شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپى، یارى خواهم کرد».

و این [وعده‌] را خداوند جز نویدى [براى شما] قرار نداد، و تا آن‌که دل‌هاى شما بدان اطمینان یابد.

إِنَّ الشَّیاطینَ لَیوحُونَ إِلى أَوْلِیائِهِمْ لِیجادِلُوکُمْ …[[۱۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn16)

و در حقیقت، شیطان‌ها به دوستان خود وسوسه مى‌کنند، تا با شما ستیزه نمایند.

خداوند هدایت، ایمان، طهارت قلب و حتى تزکیه را به ویژه به خودش اسناد مى‌ دهد:

أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذینَ یزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ الله یزَکّى مَنْ یشاءُ …[[۱۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn17)

آیا به کسانى که خویشتن را پاک مى‌شمارند ننگریسته‌اى؟\* [چنین نیست،] بلکه خداست که هر کس را بخواهد، پاک مى ‌گرداند ….

بلکه هر گونه تحول اخلاقى و تزکیه را مرهون لطف و فضل و رحمت الهى مى ‌داند:

… وَ لَوْ لا فَضْلُ اللهِ عَلَیکُمْ وَ رَحْمَتُهُ ما زَکى مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لکِنَّ الله یزَکّى مَنْ یشاءُ وَ الله سَمیعٌ عَلیمٌ‌[[۱۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn18)

و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمى‌شد؛ ولى [این‌] خداست که هر کس را بخواهد پاک مى‌ گرداند و خدا [است که‌] شنواى دانا است.

در روایات نیز مباحث توفیق و سلب توفیق، استدراج، عنایت حق و … فراوان است از جمله آن‌ها، این حدیث مشهور نبوى است:

انَّ لربکم فى أیام دَهرِکُم نَفَحاتٍ الا فَتَعرَّضُوا لَها[[۱۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_edn19)

؛ همانا پروردگارتان را در روزگار شما، نفحه‌ ها [ى رحمتى‌] است. هان که خود را در معرض آن قرار دهید.

رؤیاهاى صادقه، الهام و اشراق و بشارت‌هاى آسمانى در این زمینه قابل توجه است.

ویلیام جیمز و کارل گوستاو یونگ، از روان‌شناسانى هستند که تأثیرگذارى مبادى غیبى بر رفتارهاى انسان و تحولات اخلاقى را مى ‌پذیرند. یونگ، بویژه رؤیاها را هم منابع اطلاعاتى و آگاهى‌ بخش و هم ضمیر ناهشیار و تأثیرگذار یاد مى ‌کند.

در این بخش نیز پرسش‌هاى چندى قابل پیگیرى و بررسى است: قواعد و معیارهاى تأثیرگذارى عوامل غیبى چیست؟ رابطه این عوامل با اراده انسان چگونه است؟ آیا منوط و مشروط به اعمال خاصى است؟ آیا مى ‌تواند بدون هیچ شرطى عمل کند؟ در هر صورت، اثرگذارى این عوامل، با توجه به اختیارى بودن کسب فضایل و رذایل چگونه قابل تبیین است؟

البته این پرسش‌ها در جاى خود پاسخ مقتضى و در خورى دارد که در مجال دیگرى به آن‌ها مى ‌پردازیم. در خاتمه، این پرسش را براى مخاطبان باکیاست و فطانت این جستار طرح مى ‌کنیم:

آیا همه عوامل تأثیرگذار در تحولات اخلاقى انسان در همین چهار مورد و زیرمجموعه‌ هاى آن‌ها قابل احصا و اندراج است؟ آیا عامل دیگرى در کار نیست؟ آیا امورى مانند اوضاع کواکب و ستارگان در سعادت و شقاوت انسان‌ها دخالت دارند؟ به نظر مى ‌رسد پرونده این بحث همچنان باز است.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن‌                                مصلحى تو اى تو سلطان سخن‌

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref1) .هیلگارد، زمینه روان شناسى، ج ۱، ترجمه براهنى، ص ۳۵.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref2).( ر. ک. روان شناسى با نگرش به منابع اسلامى، دفتر همکارى حوزه و دانشگاه، فصول ۹ ۵).

[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref3). شیخ حرّ عاملى، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴- ۷۵.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref4). نهج البلاغه، خ ۹۴.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref5) . شیخ عباس قمى، تتمه المنتهى، ص ۱۲.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref6) .. ر. ک. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref7) . ر. ک. احمد دیلمى و آذربایجانى، اخلاق اسلامى، بخش سوم.

[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref8) .. سوره هود: ۵۴ و ۴۶.

[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref9) . بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۹.

[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref10) . همان، ج ۵، ص ۸.

[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref11) . سوره بقره: ۱- ۳.

[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref12) . سوره مائده: ۴۶

[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref13) . سوره الرحمن: ۹۲.

[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref14) . سوره فتح: ۴.

[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref15) . سوره انفال: ۹ و ۱۰.

[[۱۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref16). سوره انعام: ۱۲۱.

[[۱۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref17) . سوره نساء: ۹۴.

[[۱۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref18). سوره نور: ۱۲.

[[۱۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2965&action=edit" \l "_ednref19) . بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.